

ایلام؛ از ظهور تا افول

EILAMI

طوبی فاضلی پور، دبیر تاریخ (منطقه ۶ تهران)



شکوه علوم انسانی مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



در کتاب تاریخ ایران ۱ می‌خوانیم که قرن‌ها قبل از ورود آریاییان به فلات ایران، در گوشه و کنار این سرزمین مراکز تمدن مهمی وجود داشت که یکی از آنها، ایلام بود. منطقه‌ای که از روزگاران کهن به این نام خوانده می‌شد طبق تقسیمات جغرافیایی امروز شامل خوزستان، فارس، بوشهر، قسمت‌هایی از کرمان، لرستان و کردستان می‌شود و سرگذشتی بس طولانی دارد. حدود این تمدن از غرب به رود دجله، از شرق به قسمتی از پارس از شمال به جاده بابل به همدان و از جنوب به خلیج فارس می‌رسید. شهرهای مهم آن شوش، ماداکنو (کنار کرخه) و خایدالو (خرم‌آباد کنونی) بود. ایلامی‌ها فراز و نشیب‌های بسیاری را در دوران‌های تاریخی خود پشت سر گذاشته‌اند، اما به دلیل کمبود منابع و فقدان مدارک کافی و مکتوب و ناآشنایی با مناطق جغرافیایی این تمدن، اطلاعات زیادی در این مورد موجود نیست. ایلامی‌ها دولتی بزرگ تشکیل دادند که می‌توان آن را به سه دسته یا دوره تقسیم کرد:

۱. دورانی که تاریخ ایلام با تاریخ سومر و اکد ارتباط کامل داشت و از زمان‌های کهن تا ۲۲۲۵ ق. م به طول انجامید. در این دوران ایلام از نظر مدنیت از همسایگان غربی خود (بین‌النهرین) پست‌تر بود، زیرا قسمت اعظم اقوام ایلامی در کوهستان سکونت داشتند و سرزمین آنان از مسیر مراکز تجاری آن زمان که محل برخورد مظاهر تمدن‌ها بود فاصله داشت.

۲. دورانی که تاریخ ایلام با تاریخ بابل مربوط می‌شود (۷۴۵-۲۲۶۵ ق. م). در این عهد شاهان معروفی می‌زیستند که با سیاست و درایت خاصی امور کشور را اداره می‌کردند و دوران سلطنت آنان اوج شکوفایی و قدرت ایلام بوده و به عصر طلایی ایلام معروف است. (فرهنگ دهخدا ذیل ایلام)

۳. دورانی که دولت اشور رقیب ایلام بود (۶۴۵-۷۴۵ ق. م). تمدن ایلام شامل دو منطقه کوهستانی و جلگه می‌شد. اما بخش کوهستانی آن به اندازه جلگه‌های شناخته شده نیست و قسمت اعظم اطلاعات از بخش جلگه‌ای آن یعنی شوش به دست آمده که مدت زمان زیادی پایتخت ایلام بوده است. منابع اولیه به دست آمده از ایلام به زبانی است که با هیچ یک از زبان‌های شناخته شده نسبت ندارد و به همین مناسبت برخی از آثار آن هنوز خوانده نشده است. اما در نهایت پیوند زندگی ساکنان کوهستان و دشت برای ایلام این امکان را به وجود آورد تا به سطحی عالی از تمدن برسند. جلگه‌های قابل آبیاری و حاصل‌خیز آن و کوهستان‌های غنی از چوب و سنگ‌های فلزی امکان این پیوند را فراهم ساخت. ایلامی‌ها نام سرزمین خود را هلتامتی Haltamti یا هتامتی می‌نوشتند که به معنی سرزمین خدا بود و بین‌النهرینی‌ها آن را به معنی سرزمین مرتفع می‌خواندند. قدیمی‌ترین منبعی که نام ایلام در آن ذکر شده است احتمالاً به قرن ۲۷ ق. م می‌رسد که در میان فهرستی از نام شاهان

سومری نام ایلام نیز آمده است. مردم ایلام دولت خود را انزان سوسونکا می‌خواندند. مورخین عقیده دارند که ایلام لفظی سامی بوده و به قسمتی از کوهستان گفته می‌شده است. در کتیبه‌های سارگن (۲۲۳۴-۲۲۷۹ ق. م) آمده که این شاه سعی داشته است که از یورش ایلامی‌ها به سرزمین‌های بین‌النهرین جلوگیری نماید و از این زمان به بعد اطلاعات دقیقی در مورد تاریخ ایلام در منابع به چشم می‌خورد. کتیبه سارگن درباره ساختار حکومت ایلام می‌گوید که اداره ایالات ایلامی بر عهده فرمانروایی است که تحت نظارت نایب السلطنه انجام وظیفه می‌کند و نایب السلطنه به فرمان شاه به اداره امور می‌پردازد. در این لوح نام شوش نیز ذکر شده است. در آثار دیگری که از شوش به دست آمده است سنگ‌نوشته‌ای متعلق به عهد نرم سین (۲۲۱۸-۲۲۵۴ ق. م) شاه مقتدر اکد یافت شده که به زبان ایلامی است. پادشاه اکد در صدد انعقاد پیمانی با دولت ایلام بود تا از این راه مانع تهاجم اقوام گوتی به بین‌النهرین شود. ساختار حکومتی ایلام موروثی بود و بعد از شاه حکومت به برادر او که نایب السلطنه بود می‌رسید و فرزند جانشین پدر نمی‌شد. اما به تدریج این شیوه تغییر کرد و فرزند ارشد شاه بعنوان اتحادیه‌ای در شوش اداره امور را عهده‌دار شد. البته منظور از شوش تمام جلگه است. بنابراین فرمانروایی ایلام به دست سه گروه پدر، پسر و برادر اداره می‌شد و متعاقب آن، ازدواج با محارم در خانواده‌های سلطنتی مرسوم شد. تشکیلات سیاسی ایلام به شکل ملوک الطوائفی بود و مراکز متعدد قدرت بخش‌های مختلف را اداره می‌کردند؛ روشی که ایلامی‌ها هیچ‌گاه نتوانستند آن را تغییر دهند. آنها با همین موقعیت فراز و نشیب‌های بسیاری را سپری و در مقابل هجوم اقوام دیگر ایستادگی کردند. از تمدن‌های هم‌زمان با ایلام اکد را می‌توان نام برد که تأثیر مستقیمی بر این تمدن داشت، زیرا زبان اکدی به طور کامل بعنوان زبان ایلامی استفاده می‌شد. اوج قدرت ایلام در زمان اونتاش گال (۱۲۴۵-۱۲۷۴ ق. م) بود. این شاه ایلامی به ساخت معابد و سنگ‌یادمان توجه خاصی داشت. شاه در شهر دوراوتنش (دوراوتناش) در ۴۲ کیلومتری جنوب شرقی شوش اقامت داشت و زیگورات چغازنبیل را آن‌جا بنا کرد. دوران دیگری از شکوفایی تمدن ایلام به عهد سلطنت شوتروک ناهوته اول^۱ و پسرش کوتیرناوته دوم^۲ و برادرش شیلهاک این شوشیناک^۳ می‌رسد. در عهد آنها دولت ایلام از نیروی نظامی قوی برخوردار شد و با تکیه بر آن قلمرو خود را وسعت بخشید. نتیجه توسعه قلمرو و تهاجم مکرر به همسایگان، کسب غنایم فراوان بود که انتقال لوح حمورابی، پیکره مردوک خدای بابل و لوح نرم سین به شوش حاصل آن است. شاهان ثروت بیش از حد این دوران را صرف ساخت و تعمیر بناهای عظیم کردند. ویژگی معماری این دوران نصب کتیبه‌هایی در بنا بود که در هر رج آجر یک رج کتیبه نصب می‌شد که بر آن نام بنیانگذار، شجره، عنوان و یادی

از خدای ایلام یا نفرین بر کسی که این بنا را خراب کند می شد. مشابه آن کتیبه را به زبان سامی و ترجمه انزانی نیز می نوشتند و در مجموعه ای نگهداری می کردند. عصر این سه پادشاه که دوران رونق ادبی، صنعتی و هنری ایلام بود، به عصر طلایی معروف شد. دوران فتوحات و اوج قدرت ایلام با ظهور بخت النصر اول به پایان رسید. آنچه دولت ایلام را رو به ضعف برد جنگ های خانمان برانداز، استقرار عناصر نژادی جدید چون پارس ها، کشمکش برای کسب قدرت و حملات مکرر آشوری ها بود. تا در نهایت حمله آشور بانیپال به سال (۶۴۰ ق. م.) به اقتدار آن خاتمه داد. شوش و شهرهای مجاور آن ویران شد. خزاین شاهان به غارت رفت. استخوان های شاهان گذشته و بزرگان از گورها درآورده و به نینوا فرستاده شد و آشوریان به کشتاری بی امان مردم دست زدند. رفتار وحشیانه آنان چنان بود که خرقیال نبی گفت «این ایلام است و تمام جمعیت آن در اطراف قبر آن همگی کشته شدند و همه از دم شمشیر گذشتند»^۴ بسیاری از مردم ایلام اسیر و به آشور فرستاده شدند. در ترجمه



قطعه ای از یک کاشی لعابدار قرن هشتم تا هفتم ق. م.

کتاب های شاه آشوری (آشور بانیپال) آمده است که «خاک شهر شوش، شهر ماداکتو و شهرهای دیگر را تماماً به آشور کشیدم و در مدت یک ماه و یک روز کشور ایلام را به تمام عرض آن جاروب کردم. من این مملکت را از عبور حشمت گوسفند و نیز از یانغمات موسیقی بی نصیب ساختم و به درندگان مارها و جانوران کویر و غزال اجازه دادم که آنرا فرو گیرند»^۵. با ظهور دولت هخامنشی به سال ۵۵۰ ق. م ایلام یکی از ولایات خراجگذار ایران و شوش یکی از پایتخت های شاهان هخامنشی شد. شاه ایران هر سال سه ماه را در این شهر سپری می کرد. کاخ های باشکوه در آن جا ساخته شد و به

سبب واقع بودن در انتهای جاده ای که به سارد می رفت، اهمیت ویژه ای یافت، زیرا محل تلاقی دو تمدن مهم بین النهرین و فلات ایران بود. گیرشمن عقیده دارد که کار شوش «دریافت داشتن، توسعه بخشیدن و انتقال دادن»^۶ بود. خزانه شاهان هخامنشی در شوش نگهداری می شد. در تمدن ایلام به بخشی از شمال شرقی شهر شوش انشان می گفتند که مدت زمانی بر دیگر مناطق تسلط داشت و نام آن چندین بار در کتیبه های بین النهرین آمده است. شاهان ایلام بسیاری از سپاهیان مزدور خود را از این منطقه جمع آوری می کردند. شاه بابل ننوید، کوروش را شاه انشان خوانده است. این شهر در سنگنوشته های پارسی انزان ذکر شده است. ایلامی ها به مانند بسیاری از تمدن های باستانی خدایان متعددی را می پرستیدند که مهمترین آنها این شوشیناک بود. پرستش این خدا به شاهان و کاهنان اختصاص داشت. آنان مجسمه و پیکره خدایان را می ساختند. انتقال این پیکره ها - که مظهر قدرت آنان بود - از شهری به شهر دیگر، ضعف و سستی آن شهر را نشان می داد. این پیکره ها را در معابد نگهداری می کردند. معبد یا زیگورات چغازنبیل یکی از مکان های نگهداری رب النوع های ایلامی بود. زبان ایلامی یا انزانی از قدیمی ترین زبان ها بود. دومرگان عقیده دارد که در

۳۰۰۰ ق. م. این زبان منسوخ، و پس از آن زبان سومری و سامی رایج شد، اما به فاصله ای کوتاه مجدداً زبان انزانی متداول شد و در حالی که کتیبه ها را به زبان سومری و سامی می نوشتند، به احتمال زیاد زبان محاوره ای مردم، انزانی بود. الواح به دست آمده در تخت جمشید که شامل هزاران لوح است نشان می دهد که زبان ایلامی یکی از زبان های سه گانه عصر هخامنشی بوده است. صاحب نظران عقیده دارند که زبان انزانی زبانی ترکیبی است و با هیچ یک از زبان های شناخته شده نسبتی ندارد. ترجمه اسناد کشف شده در دوران های بعد، امکان خواندن زبان ایلامی را فراهم ساخت. این زبان با ایلامی باستان تفاوت داشت زیرا خواندن زبان ایلامی اولیه بیشتر

با حدس و گمان همراه بود. خط پروتو-ایلامی که یک خط تصویری بود نخستین بار در حفاری های شوش کشف شد که شباهتی به خطوط تصویری دیگر ندارد. در خط پروتو-ایلامی علائم را از چند جهت می نوشتند. برخی مواقع از بالا به پایین و گاهی از چپ و زمانی از راست. شباهت میان خط پروتو-ایلامی با سومری این یقین را به وجود آورد که ایلامی ها این خط را از سومری ها اقتباس کردند و به تدریج به ساده کردن آن پرداختند تا در نهایت خط مستقلی شد. زمان تقریبی پیدایش آن را حدود (۲۹۰۰ ق. م) می دانند که از طریق جاده های تجاری به سرزمین های دیگر انتقال یافت و موجب ارتباط

فرهنگی و اقتصادی ایلام با همسایگانش شد. در الواح به دست آمده شباهت این خط با سومری در اعداد آشکارتر است. البته باید توجه داشت که ایلامی ها در کل، اعداد را از سومری ها اقتباس نکرده اند. به تدریج خط پروتو-ایلامی به خط هجایی تبدیل شد و به سال ۱۹۶۱ م برای نخستین بار حدود ۴۰ علامت آن را شناسایی کردند. سرانجام این خط جای خود را به خط میخی داد. دکتر گیرشمن می نویسد که «خط ایلامی موجب شناخت آثار شوش و سیلک و وحدت میان تمدن این دو منطقه شد».^۷



نقش برجسته مفرغی از ارگ شوش قرن ۱۲ ق.م

ایرانشهر در کنار ویرانه های شوش بنا کنند، اما پس از مدتی مجدداً نام شوش را بر شهر جدید نهادند. پس از چندی شاپور اسیران رومی خود را در آن جا ساکن کرد. ابوموسی اشعری در سال (۱۷ هـ. ق) خوزستان را فتح کرد و به تدریج شوش رونق تجاری خود را بازیافت. در دوران اسلامی محصولات ابریشم، لیمو و نیشکر این شهر شهرت خاصی داشت اما با انتقال مرکز خوزستان به اهواز، شوش از رونق افتاد. پس از پیدایش علم باستانشناسی و رونق آن در قرن ۱۹ م، شوش مورد توجه باستانشناسان قرار گرفت و تلاش آنان موجب کشف آثار بسیاری از تمدن های باستانی گردید. آثار تمدن ایلام، بابل، هخامنشی، ساسانی و سایر دولت های اسلامی در شوش کشف شد. باستانشناسان فرانسوی چون دیولافوا و دوهرگان، بخش اعظم آثار به دست آمده را به موزه لوور انتقال دادند. امروز بسیاری از آثاری که تجلی تمدن کهن باستان ایران است - مثل نخستین چرخ کوزه گری، نخستین چرخ ارابه، آجرهای لعابدار کاخ شاهان، لوح حمورابی، کاشی های قصر اردشیر و کاخ فراولان داریوش در این موزه نگهداری می شود. شوش تا اواخر قرن (۵ هـ. ق) از شهرهای بزرگ ایران بود اما به تدریج اهمیت خود را از دست داد.

زیگورات چغازنبیل (zigurat coqazanbil)

زیگورات لغتی بابلی یا آشوری است که به ساختمان هومی شکل چند طبقه گفته می شود. این ساختمان از طریق پله به قسمت های بالا متصل بود و در بالاترین بخش آن معبد خدایان یا قربانگاه قرار داشت. این سبک معماری از هزاره چهارم به بعد در بین النهرین و سپس ایلام رایج شد. برای نخستین بار در پایان هزاره سوم قبل از میلاد زیگوراتی در شهر سومر بنا شد. هرودت مورخ یونانی از زیگوراتی در شهر بابل صحبت کرده است و به احتمال زیاد برج بابل نیز یکی از زیگورات های عصر خود بوده است. گیرشمن معتقد است چغازنبیل بزرگترین زیگورات عصر باستان می باشد. چغازنبیل تپه ای است در جنوب شرقی شهر شوش که با شهر دورونتاش (Duruntasi) تمدن ایلام مطابقت دارد. در قرن (۱۳ ق. م) اونتاش هومبان یا اونتاش گال آن را بنا کرد. چغازنبیل از مراکز عمده مذهبی ایلام بود. همه خدایانی که تحت سرپرستی این شوشیناک خدای شوش و گال رب النوع بزرگ قرار داشتند در این جا جمع شده بودند. هدف از ساخت این معبد گردهم آبی گروه های مختلف مذهبی بود. این بنا را یک توده مکعبی شکل پنج طبقه تشکیل می داد که طبقات

شوش (SUS-SUSA)

شوش یکی از مهمترین مکان های باستانی جهان است. در کتیبه های میخی این سرزمین به نام شوشن (Susan) و در مآخذ اسلامی سوس (SUS) آمده است. در تورات و در وقایع دوران دانیال نبی و در کتاب استر نام شوش به چشم می خورد. این شهر از نظر جغرافیایی موقعیت مهمی داشت و محل برخورد تمدن های باستانی و از چهارراه های دنیای کهن بود و نه تنها با غرب بلکه با هند نیز ارتباط تجاری داشت. شوش با سرزمین های اطراف مجموعه ای را تشکیل می داد که به آن هالتامی Haltami می گفتند و شامل نواحی مرتفع مشرف به دجله و فرات می شد و در دوران طولانی ایلام، پایتخت این تمدن بود و به مناسبت این موقعیت، ایلام را سوزیان یا شوشان می خواندند. ویرانی ناشی از حملات آشور مانع از رونق مجدد این شهر نشد، زیرا در دوران هخامنشی یکی از چهار پایتخت آن حکومت و مقر زمستانی شاهان بود. خزاین سلطنتی آن جا نگهداری می شد. در عصر ساسانی شاپور دوم به دلیل تافرمانی ساکنان شوش، شهر را ویران کرد و دستور داد شهر جدیدی به نام

آن از سطح زمین به بالا روی هم قرار داشتند و ارتفاع آن ۵۰ متر بود. شکل اولیه زیگورات به جهت اهمیت بنای مذهبی تغییر کرد و معبد اصلی را به برج پله دار تبدیل کرد و به آن زیگورات یا به زبان ایلامی زاگراتو (زقرتو) خواندند. ویژگی های معماری زیگورات چغازنبیل بر خلاف زیگورات های بین النهرین، در آن بود که در چند سمت با پلکان های سقف دار به طبقات بالا وصل می شد. طبقه اول با پلکانی به طبقه دوم متصل بود و طبقه دوم از سطح حیاط با پلکانی مجزا به طبقات بالا راه داشت. تنها کاهنان، که مجریان مراسم مذهبی بودند و خانواده شاهی، اجازه ورود به بالاترین طبقه زیگورات را داشتند، زیرا آن مکان را محل سکونت خدا می دانستند. برای ساخت بنا از آجرهای لعابدار آبی و سبز استفاده می کردند. فضای آزاد معبد محل برگزاری مراسم بود. در سال (۶۴۰ ق. م.) آشوری ها این معبد را ویران ساختند. ویرانه های آن اولین بار توجه یکی از مأمورین شرکت نفت انگلیسی به نام براون (Braun)، را جلب کرد و به سال (۱۳۱۴ ه. ش) هیأت حفاری شوش در آن جا مشغول کاوش های علمی شد که حاصل آن کشف معبد، کاخ ها و گورهای متعدد بود. ارتفاع فعلی زیگورات چغازنبیل ۲۵ متر است.

* * *

مطالعه تاریخ ایلام و نظری گذرا بر اقدامات شاهان در عصر طلایی این تمدن، ما را متوجه می کند که ایلامی ها از دوران های اولیه تاریخ خود مدرک کتبی بر جای نگذاشته اند و تنها نام آنان در چند کتیبه اکدی آمده است، که در آنها بیشتر به نام شوش یعنی منطقه جلگه ایلام اشاره شده است. ساکنین جلگه پس از کشمکش های بسیار با کوه نشینان توانستند حیات سیاسی خود را آغاز کنند و وحدت سیاسی ایلام با اتحاد ایالات و بیشتر هم از طریق ازدواج های سیاسی استحکام یافت. همان طور که ساکنین بین النهرین به منابع و محصولات غنی ایلام نیاز داشتند، ایلامی ها نیز برای دست یافتن به ثروت های متمرکز در شهرهای بین النهرین، آن سرزمین را بارها مورد تهاجم قرار دادند و این تاخت و تازها موجب ذکر نام آنان در

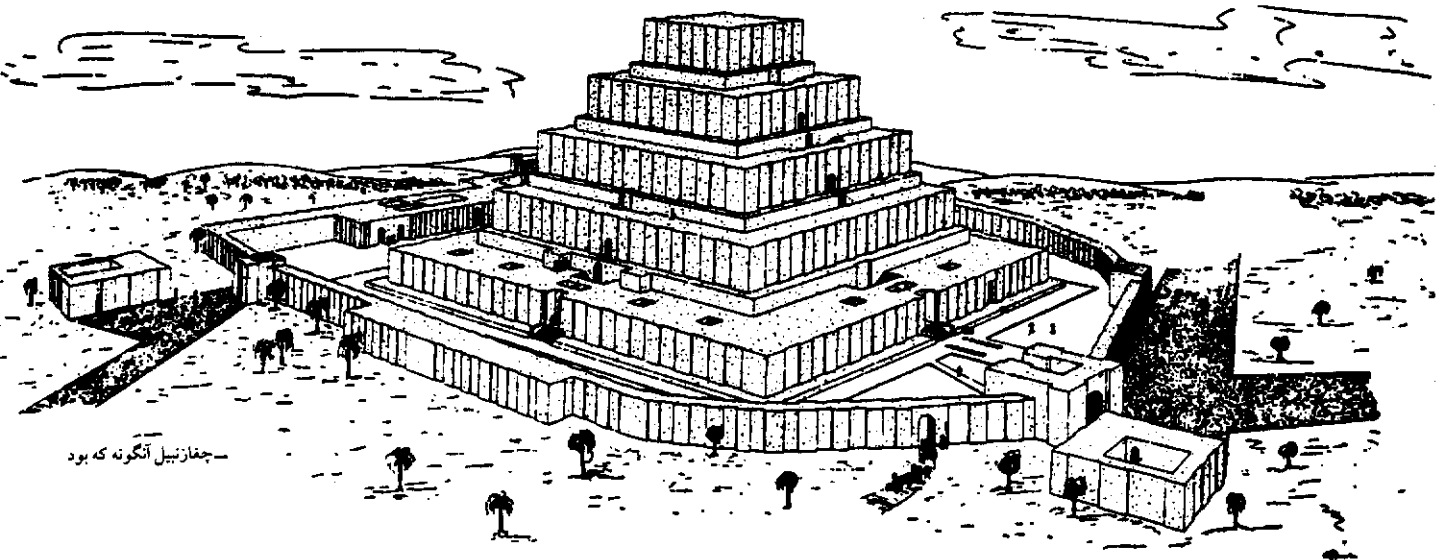
کتیبه های بین النهرین شد. همین امر ضرورت ذکر فهرست اسامی حکمرانان ایلامی و تاریخ فرمانروایی آنان را در انتهای این نوشته مختصر ایجاب کرد. فهرستی که حاصل مطالعات و زحمات آقای یوسف مجیدزاده در کتاب «تاریخ و تمدن ایلام» است با مروری مجدد و مقایسه با کتاب های زیر صورت گرفته است:

1. The last word of Elam, walter Hinz
2. Elam, Surveys of Political history and archaeology, Elizabeth Carter and mathe W. stolper.

* * *

ساختار سیاسی ایلام، همان طور که ذکر شد از ویژگی های خاصی برخوردار بود و به صورت اتحادیه ای اداره می شد که به گونه ای، استقلال داخلی داشت. در رأس این اتحادیه حاکم بلند پایه ای قرار داشت که بر تعدادی از شاهزادگان تابع حکومت می کرد. در کنار حاکم برادر او به نام نایب السلطنه اداره امور را عهده دار بود و از نظر سنی پس از حاکم قرار می گرفت.

شیوه موروثی حکومت موجب شد که فهرست فرمانروایان به شکل انتقال حکومت از برادر به برادر و برادرزاده یا خواهرزاده و در برخی اوقات از پدر به پسر آورده شود. این در حالی است که بعضی مواقع رشته جانشینی شاهان ایلامی قطع شده است. نام سلسله ها به ترتیب آوان، سیماش (سیماشکی) آپرتی و سپس دوران ایلام میانی و ایلام جدید می باشد. آقای مجیدزاده در کتاب خود با توجه به مقایسه کتاب های مختلف پژوهشگران، نظر آنان را با خطوط رنگین، در فهرست شاهان ایلام مشخص کرده است و این خود راهنمای خوبی است جهت اطلاع بر تأیید حکومت خاندان های ایلامی بر آن سرزمین. پژوهشگرانی چون هیتس و استالپر تحقیقات پر دامنه ای در تمدن ایلام دارند. مطالعه در زبان ایلامی بیانگر ارتباط فرهنگی و اقتصادی ایلام با همسایگان و تمدن های هم عصر می باشد و زیگورات چغازنبیل مظهري از نفوذ مذهب بر فرمانروایان و مردم ایلام است؛ مذهبی که دارای ویژگی های کاملاً مشخص و متمایز



چغازنبیل آنگونه که بود

خود می باشد و در عین حال نکات مشترکی با تمدن بین النهرین دارد. شرح تفصیلی اعتقادات ایلامی ها و مسائل تاریخی آن سرزمین، با ارائه فهرست منابع در انتهای این مقاله می تواند مورد استفاده قرار گیرد. هنر ایلامی متأثر از هنر بین النهرین بود، اما در زمینه پیکره سازی، تزیین ظروف، نقوش برجسته، معماری، کاشی سازی، ساخت اشیاء فلزی و چینی از ویژگی های خاصی برخوردار می باشد. مدارک، اوج شکوفایی فرهنگ و تمدن ایلام را از اواسط نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد نشان می دهند، که امروزه از آن همه آثار چیز زیادی باقی نمانده است. شرح این عظمت بیانگر موقعیت جغرافیایی ایلام بخصوص شوش و اهمیت و نقش آن در مبادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن عصر می باشد. حملات وحشیانه آشوری ها غروب غم انگیزی را برای این تمدن رقم زد تا بدان جا که هر چند در دوران هخامنشی شوش رونق مجددی یافت اما هرگز نتوانست شکوه گذشته اش را به دست آورد و همچنان نام این شهر در سایه عظمت باستانی به یاد مانده است.

« فهرست شاهان سلسله آوان بر مبنای نظریه کامرون »
۲۵۰۰ - ۲۲۰۰ ق. م.

پلی Peli
تت TaTa
اوکو - تتهیش Ukku-Tanhish
هیشور (هیشوتش) Hishur
شوشون - ترَن Shushun- tarana
نپی - ایلهوش Napi-ilhush
کیکو - سیو (اسیم) - تمی kikku-siwe-temti
لوه - ایشن luh-ishshan
هیشپ - راتپ ** hishep-ratep
زینوب Zinubá
هلو Helu
هیت hitá

پوزور (کوتیک) این - شوشنیک Puzur (kutik)-in-shushinak
احتمال می دهند شوشتر امروز منطقه آوان بوده باشد.
فهرست اسامی شاهان سلسله سیماش - سیماشکی بر مبنای نظریه کامرون و هیئتس پس از سلسله آوان یک چند ایلام دچار فترت بوده است تا سلسله سیماش قدرت را به دست گرفته است.

گیرنم Girnamme
نزیت، اول Nazit
اپرتی (اول) Eparti
نزیت (دوم) Nazit

اپنی - لوهن Enpi-luhhan
هو تران - تمی hutran-temti
کیندتو kindattu
ایدتو (ایندتو - این شوشیناک) Indattu
تن / دن - روهوراتیر Tan/Dan-Ruhuratir
اپرتی (دوم) Eparti
اینداتو (انیک توی دوم) Indattu
اینداتو - نپیر Indattu-napir
ایندتو - تمی Indattu-temti
« فهرست سلسله اپرتی (ایلام قدیم) بر مبنای نظریه هیئتس »
۱۸۰۰ - ۱۵۵۰ ق. م.

اپرتی Eparti
شیلها Shilhaha
شیر و کدوه (اول) Shirukduh
شیموت - ورتش Shimut. Wartash
سیو - پکر - هوپک Siwe- Palar_ hupak
کودوزولوش (اول) Kuduzulush
کویر - ناهونته (اول) Kutir- Nahhunte
لیل - ایر - تش Lila-ir-tash
تمی - آگون temti-agun
تن / دن (اول) Tan/Dan Uli
تمی - هلکی Temti- halki
کوک - نشور (دوم) Kuk-Nashur
تمی - رپتاش Temti-raptash
کودوزولوش (سوم) Kuduzulush
تت (دوم) Tata
آت - مر - هلکی atta-mera-halki
پکر - ایشن Palar-ishshan
کوک - کیروش Kak-Kirwash
کوک ناهونته Kuk-Nahhunte
کویر - ناهونته (دوم) Kutir - Nahhunte
« فهرست اسامی شاهان ایلامی میانی بر مبنای نظریه استولپر »
۱۴۵۰ - ۱۱۰۰ ق. م.

کیدینو Kidinu
این - شوشیناک - شر - ایلانی Inshushinak-Shar-ilani
تن / دن - روهوراتیر (دوم) tan/Dan-Ruhuratir
تپتی - آهر tepti-ahar
هورپتیل Hurapatila
ایک - هلکی (۱) (ige) lke-Halki
پهیر - اشن Pahir-Ishshan
آتر - کیته Attar-Kitah

۵. همان مأخذ ص ۱۳۹ - ۱۴۰.

۶. گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام ترجمه معین، محمد. بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ۱۳۴۹، ص ۳۸.

۷. همان مأخذ ص ۳۲.

فهرست منابع فارسی

۱. ایلام و تمدن دیرینه آن - افشار سیستانی، ایرج، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

۲. ایران در سینه دم تاریخ، گلن، جورج، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۳. ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ر. ترجمه محمد معین تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.

۴. آثار و بناهای تاریخی خوزستان، اقتداری، احمد، مؤسسه فرهنگی نشر اشاره، ۱۳۷۵ ج ۱.

۵. بین النهرین باستان رو - ژرژ ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر آبی، ۱۳۶۹.

۶. بین النهرین و ایران باستان، ادگار یوسن، ماکس، مالووان، ترجمه رضا مستوفی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۷. پیدایش انسان و آغاز شهرنشینی، فضائی، یوسف، کتابهای سیمرغ، ۱۳۵۶.

۸. تاریخ سرزمین ایلام از روزگار باستان تا انقراض حکومت و البان لرستان و ایلام، راد، ناصر، تهران، ارغنون، ۱۳۷۴.

۹. تاریخ سیاسی ایلام باستان، میرسعیدی، ناصر، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۷۵.

۱۰. تاریخ و تمدن ایلام، مجیدزاده، یوسف، تهران مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.

۱۱. تاریخ اجتماعی ایران، راوندی، مرتضی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴، ج ۱.

۱۲. تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، مشکور، محمدجواد، دانشسرای عالی، ۱۳۷۴.

۱۳. تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان شناسی، هرتسفلد، ارنست، ترجمه علی اصغر حکمت، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.

۱۴. تاریخ جهان باستان، کارژدن، ن نیکولسکی... ترجمه صادق انصاری، تهران اندیشه، ۱۳۵۰.

۱۵. تاریخ عیلام، آمیه، پیر، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۱۶. تاریخ ایران، سرپرسی سایکس، ترجمه سیدمحمد تقی فخرداعی گیلانی چاپ انتشارات کتب ایران، ۱۳۴۳.

۱۷. تاریخ مردم ایران، زرین کوب، عبدالحسین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ج ۱.

۱۸. حفاریات چغامیش، گزارش های چهارمین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران، موزه ایران باستان، دوازدهم تا هفدهم آبانماه (۷۵-۱۹۷۴) ۱۳۵۴ کتور، هلن.

۱۹. سیری در تاریخ ایران باستان، شایان، فریدون، تهران، رز، ۱۳۵۱.

۲۰. دنیای گمشده عیلام، هینتس، والنز ترجمه فیروز فیروزیان، تهران، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱.

هومبان - نومین Humban-numena

اونتش - گال (ناپیریشا) Untash-Gal

اونپتر - گل Unpatar-Gal

کیدین - هوتران kidin-Hutran

هلوتوش - این - شوشیناک Hallutush-in-shushinak

شوتروک - ناهونته Shutruk-Nahhunte

کوتیر - ناهونته Kutir-Nahhunte

شیلهاک - این - شوشیناک Shilhak-in-shushinak

هوتلوتوش - این - شوشیناک Hute- Lutash- in- Shushinak

شلهین - همرو - لکمر Shalhina- hamru- lakamar

فهرست اسامی شاهان ایلام جدید بر مبنای نظریه استولپر
 ۷۴۳-۵۰۰ ق. م.

هومبان - نیکش Humban- nikash

شوتروک - ناهونته (دوم) shutruk-Nahhunte

هلوشو - این - شوشیناک Hallushu-in-Shushinak

کودور - نهونته Kudur-Nahhunte

هومبان نیمن Humban-nimena

هومبان - هلکش (اول) Humban-haltash

هومبان هلنش (دوم) (در ماداکتو)

شیلهاک - این - شوشیناک (دوم) (در شوش)

اورتکی Urtaki

تپتی - هومبان - این - شوشیناک^۲ Tempti Humban-Inshushinak

تمریتو Tamaritu

هومبان - نیکش (دوم) (در ماداکتو) Humban-Nikash

آت - همیتی - این شوشیناک (در شوش) Atta-hamti

۱. از ایگ - هلکی کامرون و لاباوشایل نیز در فهرست اسامی شاهان با استولپر هم عقیده هستند.

۲. هخامنش از خاندان پارس هم عصر این شاه ایلامی بود و در انشان حکومت می کرد.

۳. چیش پیش هخامنشی همدوره این شاه ایلامی بود.

* هینتس معتقد است که حد فاصل تنی چند از شاهان آوان افراد دیگری نیز فرمانروا شده اند که با نام هیشب راتپ اول و زینوب نشان داده شده است.

پی نوشت:

1. Shutruk-Nahhunte

2. Kutir-Nahhunte

3. Shilhak-Inshushinak

۴. پیرنیا، مشیرالدوله حسن، تاریخ ایران باستان، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۰، ج ۱ ص ۱۳۹.